

[حکم نسیان تکبیرة الاحرام 1](#_Toc62323598)

[بررسی اجماع بر بطلان 1](#_Toc62323599)

[بررسی عام فوقانی 2](#_Toc62323600)

[حدیث لاتعاد 2](#_Toc62323601)

[نظر استاد 2](#_Toc62323602)

[نظر امام قدس سره 2](#_Toc62323603)

[مناقشه در نظر امام قدس سره 3](#_Toc62323604)

[روایات دال بر بطلان نماز با نسیان تکبیرة الاحرام 4](#_Toc62323605)

[روایات دال بر صحت نماز 6](#_Toc62323606)

**موضوع**: تکبیرة الاحرام /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل عام فوقانی راجع به فرض نسیان تکبیرة الاحرام مورد بحث واقع شد.

# حکم نسیان تکبیرة الاحرام

## بررسی اجماع بر بطلان

بحث راجع به حکم نسیان تکبیرة الاحرام بود؛ محقّق حلی در معتبر و علامه حلی در منتهی فرمودند که بر بطلان نماز در فرض نسیان تکبیرة الاحرام اجماع وجود دارد.

البته همان طور که آقای سیستانی فرموده اند، ما در کلمات قدما کسی را که متعرّض این مسأله شوند غیر از مرحوم شیخ طوسی در کتاب نهایه، تهذیب و استبصار و بعد محقق حلی در معتبر و علامه حلی در منتهی و مانند آن پیدا نکردیم؛ لکن بالاخره محقق حلی تعبیر کرده اند که بر بطلان اجماع وجود دارد ولی در بین کتب، تنها در کلمات شیخ مطرح شده است و ایشان ادّعای اجماع هم نکرده اند. (البته در کتاب فقه الرضا نیز بحث بطلان نماز با نسیان تکبیرة الاحرام مطرح شده است ولی چون مؤلف آن مشخص نیست و احتمال دارد کتاب تکلیف شلمغانی باشد آن را ذکر نکردیم)

**البته آقای سیستانی فرموده اند:** ظاهر صدوق مخالف با بطلان است.

لکن ما این را نفهمیدیم، چون صدوق در من لایحضره الفقیه جلد 1 صفحه 342 در ابتدا فرموده اند: «وَ مَنِ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ‌ لَمْ يُكَبِّرْ تَكْبِيرَةَ الِافْتِتَاحِ فَلْيُعِدْ صَلَاتَهُ وَ كَيْفَ لَهُ بِأَنْ يَسْتَيْقِنَ» و در ادامه روایات را مطرح می کنند که از برخی روایات استظهار می شود نماز با نسیان تکبیرة الاحرام باطل نیست و لکن شاید مرحوم صدوق این روایات را توجیه می کند، کما این که مرحوم شیخ طوسی توجیه نموده اند. البته مرحوم صدوق توجیهی ذکر ننموده اند ولی ظاهر این است که کلامی که در ابتدا ذکر نموده اند نظر خودشان بوده است. بله مرحوم صدوق در کتاب هدایه باب ما تعاد منه الصلاة، حدیث لاتعاد را با متن خصال نقل می کند [«قال أبو جعفر عليه السلام: لا تعاد الصلاة إلا من خمس: الطهور، و الوقت، و القبلة، و الركوع، و السجود، ثم قال عليه السلام: القراءة سنة، و التشهد سنة، و التكبير سنة، و لا تنقض السنة الفريضة»[[1]](#footnote-1)] که این هم قابل توجیه است و احتمال دارد که مقصود ایشان از تکبیر، غیر از تکبیرة الاحرام باشد با توجّه به این که در فقیه «من نسی تکبیرة الاحرام أعاد الصلاة» دارد.

أما این که آقای سیستانی فرموده اند این اجماع محتمل المدرک است و ممکن است مستند به همین وجوهی باشد که بحث می کنیم و اعتباری ندارد؛ این اشکال وارد است و یک بحث کلی است که اگر اجماع در عصر غیبت محتمل المدرک باشد دیگر کاشف از ارتکاز متشرعه در زمان معصوم نیست و تا کشف از ارتکاز متشرعه در زمان معصوم محقّق نشود رأی معصوم دانسته نمی شود.

## بررسی عام فوقانی

### حدیث لاتعاد

#### نظر استاد

راجع به حدیث لاتعاد بیان کردیم که به جهت تعبیر «السنة لاتنقض الفریضه» نمی توانیم به آن برای اثبات صحت نماز در فرض نسیان تکبیرة الاحرام، تمسّک کنیم چون ظاهر لاتنقض این است که نماز به شکل مبرم موجود شده است و بعد بحث می شود که با سنت نقض می شود یا نقض نمی شود و اگر تکبیرة الاحرام اگر فراموش شود از ابتدا جلوی انعقاد نماز را می گیرد.

#### نظر امام قدس سره

**امام قدس سره وجهی دیگر ذکر نموده اند:** در روایت تعبیر «الصلاة مفتاحها التکبیر، لاتفتتح الصلاة الا بتکبیرة الاحرام» آمده است یعنی شارع بیان می کند نماز بدون تکبیرة الاحرام أصلاً شروع نشده است و تا تکبیرة الاحرام گفته نشود نماز مثل خانه‌ی درب بسته ای است که وارد آن نشده است و این روایات حاکم بر حدیث لاتعاد است. در موثقه عمار تعبیر «لا صلاة بغیر افتتاح» بیان شده است، ولی در حکومت آن بر حدیث لاتعاد شبهه داریم به این خاطر که مشابه تعبیر «لاصلاة» زیاد است که حدیث لاتعاد بر آنها حاکم بوده است؛ مانند «لاصلاة الا بفاتحة الکتاب» که یقیناً حدیث لاتعاد حاکم است و خود حدیث لاتعاد تصریح کرده است و بیان نموده است: «القرائة سنة و السنة لاتنقض الفریضه».

ممکن است گفته شود که تعبیر «لاصلاة» بر حدیث لاتعاد حاکم است و در مواردی مثل قرائت که قرینه وجود دارد رفع ید می شود و در تکبیرة الاحرام قرینه ای وجود ندارد؛ لکن این مطلب خالی از اشکال نیست، ولی روایاتی که تعبیر «الصلاة مفتاحها التکبیر، لاتفتتح الصلاة الا بتکبیرة الاحرام» ذکر شده است بدون اشکال حاکم بر حدیث لاتعاد است.

##### مناقشه در نظر امام قدس سره

روایاتی که مرحوم امام اشاره نموده اند ضعف سند دارند و موثقه عمار که تعبیر «لاصلاة بغیر افتتاح» در آن ذکر شده است خود طرف معارض می باشد: « ...وَ عَنْ رَجُلٍ سَهَا خَلْفَ الْإِمَامِ فَلَمْ يَفْتَتِحِ الصَّلَاةَ قَالَ يُعِيدُ الصَّلَاةَ وَ لَا صَلَاةَ بِغَيْرِ افْتِتَاحٍ... »[[2]](#footnote-2) که فرض روایت این است که رکوع کرده است و اگر رکوع نکرده بود دیگر اعاده نماز معنا نمی داشت زیرا مأموم حمد و سوره نمی خواند و اگر قبل از رکوع متوجّه شود که تکبیرة الحرام را نخوانده است ظاهر این است که تعبیر «فلیکبّر» به کار برود و لذا ظاهر روایت که تعبیر یعید الصلاة در آن به کار رفته است این است که بعد از رکوع یا بعد از نماز ملتفت شده است. حال این روایت طرف معارضه است با روایاتی که بیان می کند اگر بعد از رکوع ملتفت شود تکبیرة الاحرام را فراموش کرده است نماز صحیح است.

روایات دیگری که ایشان تمسّک نموده اند ضعیف السند است؛ «وَ فِي الْمَجَالِسِ بِإِسْنَادِهِ فِي حَدِيثٍ جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص- وَ أَمَّا قَوْلُهُ اللَّهُ أَكْبَرُ إِلَى أَنْ قَالَ- لَا تُفْتَتَحُ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهَا»[[3]](#footnote-3) و روایت «مفتاحها التکبیر»[[4]](#footnote-4).

و اساسا از تعبیر مفتاح چیزی بیش از این که أولین جزء نماز تکبیرة الاحرام است نمی فهمیم و عرفیت ندارد که بر حدیث لاتعاد حکومت داشته باشد به این جهت که حکومت فرع بر نظارت است؛ روایتی بیان می کند که «مفتاح نماز تکبیرة الاحرام است» و روایت دیگر بیان می کند که «نماز اعاده نمی شود مگر با فراموشی وضو یا وقت یا قبله یا رکوع یا سجود»؛ آیا عرف در حکومت حدیث لاتعاد بر این روایت تأمّل می کند؟! انصافاً عرف، هیچ گونه نظارتی در این روایات بر حدیث لاتعاد نمی فهمد بلکه حدیث لاتعاد را ناظر بر أدله أجزاء و شرائط نماز می بیند.

لذا اگر تعبیر «السنة لاتنقض الفریضه» در بین نمی بود ما در حکومت حدیث لاتعاد بر أدله جزئیت تکبیرة الاحرام تردید نمی کردیم.

## روایات دال بر بطلان نماز با نسیان تکبیرة الاحرام

أما روایات خاصه راجع به نسیان تکبیرة الاحرام دو طائفه اند که یک طائفه دال بر بطلان نماز است؛

1-صحیحه زراره: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى تَكْبِيرَةَ الِافْتِتَاحِ قَالَ يُعِيدُ.[[5]](#footnote-5)

2-صحیحه محمد بن مسلم: عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِي الَّذِي يَذْكُرُ أَنَّهُ لَمْ يُكَبِّرْ فِي أَوَّلِ صَلَاتِهِ فَقَالَ إِذَا اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ لَمْ يُكَبِّرْ فَلْيُعِدْ وَ لَكِنْ كَيْفَ يَسْتَيْقِنُ.[[6]](#footnote-6)

این فرمایش امام علیه السلام کاملاً محسوس است و ما سراغ نداریم که کسی بگوید یادم آمد که تکبیرة الاحرام نگفته ام. افراد یادشان می آید که وضو نگرفته اند یا وقتی در حجّ هستند یادشان می آید که تلبیه نگفته اند؛ مثل این که مشغول مقدمات احرام شد و تلبیه را فراموش کرد یا این که روحانی کاروانی بود که مشغول تعلیم تلبیه به حجّاج بود و تلبیه خود را فراموش کرد؛ ولی خیلی بعید است که برای کسی پیش بیاید که یادش بیاید تکبیرة الاحرام نماز را نگفته است زیرا تکبیر أولین جزء نماز است که انسان به آن عادت کرده است حال چگونه می شود که آن را فراموش کرده باشد. نسیان تکبیرة الاحرام خیلی فرض نادری است و برای ما پیش نیامده است و فکر نکنم برای شما هم پیش آمده باشد. این که کسی با عجله به نماز جماعت بیاید و یادش برود تکبیرة الاحرام را بگوید فرضش معقول تر است ولی اگر پیش بیاید نادر است و برای ما که در نماز جماعت شرکت کرده ایم تا به حال همچون مسأله ای پیش نیامده است.

3-صحیحه علی بن یقطین: وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَفْتَتِحَ الصَّلَاةَ حَتَّى يَرْكَعَ قَالَ يُعِيدُ الصَّلَاةَ.[[7]](#footnote-7)

**آقای سیستانی فرموده اند**: ممکن است از فعل مضارع «حتی یرکع» استفاده شود که هنوز رکوع نکرده است و مشرف به رکوع شده است؛ انصافاً این فرمایش که ایشان به عنوان احتمال ذکر می کنند عرفیت ندارد؛ مثلاً تعبیر می شود «الرجل ینام حتّی یخرج وقت الصلاة» که قبل از «حتّی» فعل مضارع ذکر می کنند و «حتّی» استمراریه است و معنای عرفی این جمله چنین است که «نوم او تا خروج وقت نماز استمرار داشت» نه این که «شخصی خوابید تا اشراف بر خروج وقت صلاة پیدا شد» و دو رکعت مانده به طلوع آفتاب از خواب بیدار شد.

4-موثقه عمار: « ...وَ عَنْ رَجُلٍ سَهَا خَلْفَ الْإِمَامِ فَلَمْ يَفْتَتِحِ الصَّلَاةَ قَالَ يُعِيدُ الصَّلَاةَ وَ لَا صَلَاةَ بِغَيْرِ افْتِتَاحٍ... »[[8]](#footnote-8)

5-معتبره فضل بن عبدالملک أو ابن أبی یعفور (تردید از خود راوی است ولی به هر حال هر دو ثقه اند): الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ أَوِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي فَلَمْ يَفْتَتِحْ بِالتَّكْبِيرِ هَلْ تُجْزِئُهُ تَكْبِيرَةُ الرُّكُوعِ قَالَ لَا بَلْ يُعِيدُ صَلَاتَهُ إِذَا حَفِظَ أَنَّهُ لَمْ يُكَبِّرْ.[[9]](#footnote-9)

6-موثقه عبید بن زراره: أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أَقَامَ الصَّلَاةَ فَنَسِيَ أَنْ يُكَبِّرَ حَتَّى افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ يُعِيدُ الصَّلَاةَ.[[10]](#footnote-10)

تعبیر «حتی افتتح الصلاة» تنها به این مقدار دلالت دارد که تکبیرة الاحرام را تا زمان قرائت نماز فراموش کرد؛ یعنی اگر هنگام قرائت ملتفت شد که تکبیرة الاحرام را نگفته است نماز را از نو می خواند.

**ممکن است گفته شود**: مراد از «فنسی این یکبر»، «فنسی این یؤذن و یقیم» باشد؛ یعنی تکبیر اذان و اقامه را نگفته است یا کنایه از این است که اذان و اقامه را نگفته است تا این که وارد نماز شد. شاهد این احتمال این است که نماز بدون تکبیرة الاحرام افتتاح نمی شود در حالی که در روایت تعبیر «حتی افتتح الصلاة» بیان شده است و لذا معلوم می شود که تکبیرة الاحرام را گفته است و افتتاح نماز کرده است. طبق این معنا، یعید الصلاة بر استحباب اعاده نماز حمل می شود.

**لکن انصافاً این احتمال خلاف ظاهر است**: ظاهر «نسی ان یکبر حتی افتتح الصلاة» این است که تکبیرة الاحرام را فراموش کرده است و با این لفظ از اذان و اقامه تعبیر نمی شود و مراد از افتتاح صلاة، افتتاح عرفی نماز است که این شخص عرفاً داخل در نماز و داخل در قرائت نماز شده است. پس انصافاً ظهور این روایت نیز در نسیان تکبیرة الاحرام است ولی نسبت به بعد از رکوع اطلاق ندارد و ظاهرش این است که بعد از قرائت ملتفت شده است که تکبیرة الاحرام را نگفته است.

7-صحیحه ذریح محاربی (شیخ او را توثیق کرده است): وَ عَنْهُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ ذَرِيحٍ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُكَبِّرَ حَتَّى قَرَأَ قَالَ يُكَبِّرُ.[[11]](#footnote-11)

انصافاً این روایت هم شامل التفات به نسیان تکبیرة الاحرام بعد از رکوع نمی شود به این خاطر که تعبیر «نسی ان یکبر حتی قرأ» دارد و تعبیر «نسی این یکبر حتی رکع» نیامده است.

**آقای سیستانی فرموده اند:** این روایت مجمل است و تعبیر «یکبر و یقرأ» در جواب امام علیه السلام نیامده است و شاید مراد حضرت این باشد که اگر بعد از قرائت یادش بیاید که تکبیرة الاحرام را نگفته است همان جا تکبیرة الاحرام را بگوید و به رکوع برود.

**ولی انصافاً این احتمال خلاف ظاهر است**؛ مثلاً اگر شما ببینید که فرزندتان تکبیرة الاحرام را فراموش کرد و مشغول خواندن حمد و سوره شد اگر به او بگویید «تکبیرة الاحرام یادت رفت، تکبیرة الاحرام را بگو» آیا به این معنا است که تکبیرة الاحرام را بگو و به رکوع برو و دیگر حمد و سوره را اعاده نکن؟! ظهور عرفی این که می گوید «تکبیرة الاحرام را بگو» این است که در جایگاه خودش بگوید. یا مثلاً اگر کسی مشغول شستن دست چپ باشد و به او بگویید «صورت خود را فراموش کردی، صورت را بشوی» آیا به این معنا است که صورت را بشوید و بعد مسح بکشد؟!

## روایات دال بر صحت نماز

در مقابل این روایات چهار روایت وجود دارد که دال بر صحت نماز در فرض نسیان تکبیرة الاحرام مطلقاً یا فی الجمله است؛

1-موثقه ابی بصیر: عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ قَامَ فِي الصَّلَاةِ وَ نَسِيَ أَنْ يُكَبِّرَ فَبَدَأَ بِالْقِرَاءَةِ فَقَالَ إِنْ ذَكَرَهَا وَ هُوَ قَائِمٌ قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ فَلْيُكَبِّرْ وَ إِنْ رَكَعَ فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ.[[12]](#footnote-12)

اگر کسی تکبیرة الاحرام را فراموش کرد در صورتی که قبل از رکوع ملتفت شود تکبیر بگوید و اگر بعد از رکوع ملتفت شد نماز را ادامه دهد. این تفصیل، همان تفصیلی است که آقای زنجانی داده اند و ما در بین فقها هیچ موافقی برای ایشان پیدا نکردیم مگر مرحوم حاج آقا مرتضی حائری که فرموده اند مقتضای صناعت همین است ولی در بین قدما یا متوسط بین قدما و متأخّرین همچون تفصیلی پیدا نکردیم.

2-صحیحه زراره: سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَنْسَى أَوَّلَ تَكْبِيرَةٍ مِنَ الِافْتِتَاحِ فَقَالَ إِنْ ذَكَرَهَا قَبْلَ الرُّكُوعِ كَبَّرَ ثُمَّ قَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ وَ إِنْ ذَكَرَهَا فِي الصَّلَاةِ كَبَّرَهَا فِي قِيَامِهِ فِي مَوْضِعِ التَّكْبِيرَةِ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ وَ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ قُلْتُ فَإِنْ ذَكَرَهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ قَالَ فَلْيَقْضِهَا وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ.[[13]](#footnote-13)

در من لایحضره الفقیه تعبیر «اول تکبیرة الافتتاح» ذکر شده است و «من الافتتاح» ندارد (ولی در تهذیب و استبصار «من الافتتاح» دارد): وَ قَدْ رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ- قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ نَسِيَ أَوَّلَ تَكْبِيرَةِ الِافْتِتَاحِ فَقَالَ إِنْ ذَكَرَهَا قَبْلَ الرُّكُوعِ كَبَّرَ ثُمَّ قَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ وَ إِنْ ذَكَرَهَا فِي الصَّلَاةِ كَبَّرَهَا فِي مَقَامِهِ فِي مَوْضِعِ التَّكْبِيرِ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ أَوْ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ قُلْتُ فَإِنْ ذَكَرَهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ قَالَ فَلْيَقْضِهَا وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ‌[[14]](#footnote-14)

اگر قبل از رکوع یادش بیاید نماز را از نو بخواند و اگر در أثنای نماز یعنی بعد از رکوع یادش بیاید همان موقع تکبیر نگوید و صبر کند به قرائت رکعت دوم برسد و یا قبل از قرائت رکعت دوم تکبیرة الاحرام را بگوید یا بعد از قرائت بگوید. ظاهر «کبّرها» این است که تکبیرة الاحرام را بگوید و چون تکبیرة الاحرام دو بار نیست لذا مراد از «قبل القرائه و بعد القرائه» این خواهد بود که یا قبل و یا بعد از قرائت تکبیرةالاحرام را بگوید. اگر بعد از نماز یادش بیاید «فلیقضها و لا شیء علیه» که مرحوم شیخ معنا نموده اند که نماز را قضا کند و او را جهنّم نمی برند؛ لکن استظهار ما این است که ضمیر به تکبیرة الاحرام رجوع می کند یعنی مانند فرض نسیان تشهد، در فرض نسیان تکبیرة الاحرام نیز تکبیرة الاحرام قضا می شود؛ ظاهر «لاشیء علیه» این است که کلفتی از دوش شخص برداشته می شود در حالی که اگر تمام نماز را اعاده کند کلفتی از دوش شخص برداشته نمی شود.

این روایت دچار اضطرار است که بیان خواهیم نمود.

3-صحیحه بزنطی: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ نَسِيَ أَنْ يُكَبِّرَ تَكْبِيرَةَ الِافْتِتَاحِ حَتَّى كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ فَقَالَ أَجْزَأَهُ.[[15]](#footnote-15)

اگر کسی تکبیرة الاحرام را فراموش کرد تا این که تکبیر رکوع را گفت مجزی است؛

یک احتمال این است که تکبیرة الاحرام عنوان قصدی نیست و مانند رکعت أول و رکعت دوم بودن نماز است که اگر شخصی فکر کند رکعت دوم نماز است و بعد متوجّه شود که رکعت أول نماز بوده است نماز او اشکالی ندارد؛ تکبیرة الاحرام نیز از این جهت که ابتدای نماز است اسم آن را تکبیرة الاحرام گذاشته اند و لازم نیست به قصد تکبیرة الاحرام گفته شود و تکبیر قبل از رکوع هم تکبیر بوده و مجزی از تکبیرة الاحرام واقع می شود و لذا تکبیر قبل از رکوع تکبیرة الاحرام می شود و فراموش کرده است حمد و سوره را بعد از آن بخواند که حدیث لاتعاد آن را تصحیح می کند.

این معنا خلاف اطلاق روایت است زیرا تعبیر به «حتی کبّر للرکوع» شده است و تعبیر «و رکع» نیامده است؛ مگر این که این روایت با موثقه ابی بصیر «قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ فَلْيُكَبِّرْ وَ إِنْ رَكَعَ فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ» تقیید زده شود که برای تصحیح نماز باید تکبیر رکوع گفته شود و رکوع هم انجام شود و به نحو جمع واوی خواهد بود.

احتمال دیگر که در این روایت وجود دارد این است که «أجزأه» به این معنا باشد که تکبیر رکوع مجزی از تکبیرة الاحرام است؛ حال اگر رکوع نرفته است حمد و سوره را می خواند و اگر رکوع رفته است نهایت این است که حمد و سوره را فراموش کرده است و نماز صحیح است و لذا «أجزأه» به این معنا است که تکبیر رکوع قائم مقام تکبیرة الاحرام می شود و نیاز به تکبیرة الاحرام نیست.

4-صحیحه حلبی: وَ سَأَلَ الْحَلَبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُكَبِّرَ حَتَّى دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ أَ لَيْسَ كَانَ فِي نِيَّتِهِ أَنْ يُكَبِّرَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ‌[[16]](#footnote-16)

شخصی تکبیرة الاحرام را فراموش کرد تا وارد نماز شد؛ حضرت فرمود آیا نیّت نداشت تکبیرة الاحرام را بگوید؟ گفت «بله». حضرت فرمود پس نماز را ادامه دهد.

مرحوم محقق همدانی در مصباح الفقیه فرموده اند: این صحیحه روایت خوبی است و بر این اساس راجع به نسیان تکبیرة الاحرام تفصیل می دهیم که نیتش بوده است که تکبیرة الاحرام را بگوید که نمازش صحیح است و اگر نیّتش نبوده است نمازش باطل است. ولی اگر این روایت بخواهد روایات مطلقه که أمر به اعاده می کند را تقیید بزند، حمل روایات مطلق بر فرد نادر یعنی فردی که نیّت نداشته است تکبیرة الاحرام را بگوید، لازم می آید و غالباً کسی که تکبیرة الاحرام را فراموش می کند نیّت دارد بگوید و بعد فراموش می کند.

مرحوم امام در کتاب الخلل راجع به این مطلب محقق همدانی و صحیحه حلبی مطالبی دارند که در جلسه بعد بیان خواهیم نمود و وجه اضطراب صحیحه زراره که مرحوم بروجرودی اشاره نمودند بیان خواهیم کرد.

1. الهداية في الأصول و الفروع، ص: 158‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص354.](http://lib.eshia.ir/10083/2/354/%D8%B3%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص12، أبواب تکبیرة الاحرام، باب1، ح12، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/12/%D9%86%D9%81%D8%B1) [↑](#footnote-ref-3)
4. این تعبیر در کلمات علما ذکر شده است. در روایتی تعبیر «یفتتح بالتکبیر» ذکر شده است: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْهُمْ ع قَالَ: فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عِيسَى ع يَا عِيسَى- أَنَا رَبُّكَ وَ رَبُّ آبَائِكَ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطُولِهِ- إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ أُوصِيكَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ- بِسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ حَبِيبِي فَهُوَ أَحْمَدُ- إِلَى أَنْ قَالَ يُسَمِّي عِنْدَ الطَّعَامِ وَ يُفْشِي السَّلَامَ- وَ يُصَلِّي وَ النَّاسُ نِيَامٌ- لَهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسُ صَلَوَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ- يُنَادِي إِلَى الصَّلَاةِ كَنِدَاءِ الْجَيْشِ بِالشِّعَارِ- وَ يَفْتَتِحُ بِالتَّكْبِيرِ وَ يَخْتَتِمُ بِالتَّسْلِيمِ. (مقرّر) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص347.](http://lib.eshia.ir/11005/3/347/%DB%8C%D9%86%D8%B3%DB%8C%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص351.](http://lib.eshia.ir/11002/1/351/%DB%8C%DA%A9%D8%A8%D8%B1) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص143.](http://lib.eshia.ir/10083/2/143/%DB%8C%D9%86%D8%B3%DB%8C) [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص354.](http://lib.eshia.ir/10083/2/354/%D8%B3%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص347.](http://lib.eshia.ir/11005/3/347/%D8%AD%D9%81%D8%B8) [↑](#footnote-ref-9)
10. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص351.](http://lib.eshia.ir/11002/1/351/%D9%81%D9%86%D8%B3%DB%8C) [↑](#footnote-ref-10)
11. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص143.](http://lib.eshia.ir/10083/2/143/%D9%86%D8%B3%DB%8C) [↑](#footnote-ref-11)
12. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص352.](http://lib.eshia.ir/11002/1/352/%D9%81%D9%84%DB%8C%DA%A9%D8%A8%D8%B1) [↑](#footnote-ref-12)
13. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص145.](http://lib.eshia.ir/10083/2/145/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%81%D8%AA%D8%AA%D8%A7%D8%AD) [↑](#footnote-ref-13)
14. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص343.](http://lib.eshia.ir/11021/1/343/%DA%A9%D8%A8%D8%B1%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-14)
15. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص144.](http://lib.eshia.ir/10083/2/144/%D9%84%D9%84%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%B9) [↑](#footnote-ref-15)
16. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص343.](http://lib.eshia.ir/11021/1/343/%D9%86%DB%8C%D8%AA%D9%87) [↑](#footnote-ref-16)